

## **Satrap of Media in the Parthian Era**

**(from the Rise of the Parthians to the End of Phraates IV's Reign)**

**Sharam Jalilian<sup>\*</sup>, Farshid Naderi<sup>\*\*</sup>**

**Zohreh Taghipour Birgani<sup>\*\*\*</sup>**

### **Abstract**

The Parthian Empire (247BC-224AD) consisted of independent and semi-independent satrapies and principalities that ruled under the command of the king. The Seleucid government tried to achieve independence, but with the rise of the Parthians, by joining them, this state became a military center against the invasion of foreigners. This article is an attempt to answer the question that what effect did this land have on the political developments of the Parthian era from the beginning of the Parthian rule (247 BC) to the end of Phraates IV's reign (33-40 BC)? Against the Seleucids, by joining the movement of the Parthians, they were able to prepare the ground for the decline of the Seleucids from Iran. The first Parthian kings, who were aware of the importance of Media to protect the western borders from the attacks of foreigners, tried to consolidate their rule over it. However, this region became a crisis for them during the period of weakness of the Parthian kingdom system and in the succession struggles. The Parthian princes tried to regain their independence in order to reach the kingdom, but the separatist tendencies of

\* Professor, Department of History Shahid Chamran university of Ahvaz, sh.jalilian@scu.ac.ir

\*\* Associate Professor Department of History Shahid Chamran University of Ahvaz, F.naderi@scu.sc.ir

\*\*\* PhD student of ancient Iranian history, Ferdowsi University of Mashhad, (Corresponding Author),  
zohrehtaghipour1371@gmail.com

Date received: 2022/08/27, Date of acceptance: 2022/12/05



Copyright © 2018, This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

Media can be considered related to the political conditions and the authority of the Parthian princes.

**Keywords:** Arsacid, Median satrapies, Seleucids, Princes' Rivalry, Romans



## ساتراپ‌نشین ماد در عصر اشکانی (از خیزش اشکانیان تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم)

شهرام جلیلیان\*

فرشید نادری\*\*، زهره تقی پور بیرگانی\*\*\*

### چکیده

شاهنشاهی اشکانی (۲۴۷ پ.م-۲۲۴ م.) از ساتراپی‌ها و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه مستقل تشکیل شده بود که تحت فرمان پادشاه حکومت می‌کردند. در این میان، ساتراپی ماد در دوره جانشینان اسکندر گاه به طور مستقل و گاه تحت حاکمیت سلوکیان، برای دستیابی به استقلال می‌کوشیدند؛ اما با برآمدن اشکانیان و با پیوستن به آن‌ها، این ایالت به کانون نظامی در برابر استیلای بیگانگان تبدیل شد. در این مقاله با شیوه توصیفی-تحلیلی و به کمک منابع گوناگون و با هدف پاسخگویی به این پرسش که سرزمین ساتراپی ماد چه تاثیری در تحولات سیاسی عصر اشکانی از آغاز فرمانروایی اشکانیان (۲۴۷ پ.م) تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم (۳۳-۴۰ پ.م) داشته، ارایه شده است. این پژوهش نشان می‌دهد که ساتراپی ماد هنگام خیزش اشکانیان در برابر سلوکیان، با پیوستن به جنبش پارتیان، توانستند زمینه زوال سلوکیان از ایران را فراهم کنند. نخستین پادشاهان اشکانی که به اهمیت ماد برای مصون ماندن مرزهای غربی از گزند بیگانگان آگاه بودند، برای تحکیم فرمانروایی خود بر آن می‌کوشیدند. با این همه، این منطقه در دوره ضعف دستگاه پادشاهی اشکانیان و

\* استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید چمران اهواز، sh.jalilian@scu.ac.ir

\*\* استادیار تاریخ ایران باستان، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید چمران اهواز، f.naderi@scu.ac.ir

\*\*\* دانشجوی دکتری تاریخ ایران باستان، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)،  
zohrehtaghipour1371@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۵/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۱۴



در ستیزهای جانشینی، برای آنها بحران ساز شد. اگر چه مادها در کشاکش‌های میان شاهزادگان پارتی برای رسیدن به پادشاهی، برای بازیابی استقلال خود تلاش می‌کردند، اما گرایش‌های جدایی خواهانه‌ی ماد را می‌توان با شرایط سیاسی و اقتدار شه‌ریاران اشکانی وابسته دانست.

**کلیدواژه‌ها:** اشکانیان، ساتراپی ماد، سلوکیان، ستیز شاهزادگان، رومیان

## ۱. مقدمه

شاهنشاهی اشکانی که توسط آرشک در سال ۲۴۷ پ.م. در منطقه پارت بنیان نهاده شد و بعدها در دوره جانشینانش بر گستره آن افزوده شد، از ساتراپی‌ها و شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل تشکیل شده بود که تحت فرمان پادشاه حکومت می‌کردند. برخی از شاهک‌نشین‌ها در امور داخلی مستقل بودند و برخی دیگر نیز متحد اشکانیان به شمار می‌آمدند. شاهزادگان پارتی، پاره‌ای از این پادشاهی‌ها را اداره می‌کردند و بخش‌های دیگر، تحت فرمان خاندان‌های محلی - که تابعیت پارتیان را پذیرفته بودند - اداره می‌شد.

پلینی، جغرافی‌دان رومی از پادشاهی‌هایی همچون «پارس، الیمایی، مسن (خاراکنه)، هتره، اوسروئنه، آدیابنه، ماد و...» یاد می‌کند که تابع پادشاهان پارتی بوده‌اند (Pliny, 1855/VI: 285). در این میان، ساتراپی ماد، یکی از ایالت‌های مهم در دوره اشکانیان بود که از همان ابتدا دست‌یابی به آن برای پارتیان در جهت تثبیت قدرت و حفظ قلمرو از تهاجمات دشمنان بااهمیت انگاشته می‌شد. همان‌گونه که ولسکی خاطر نشان می‌کند «سرزمین ماد برای اشکانیان نقش جبهه مقدم و سپر دفاعی را داشت و اکثر جنگ‌ها با سلوکیان و رومیان برای جلوگیری از رخنه ایشان به ایران در آن‌جا انجام می‌گرفت» (۱۳۸۳: ۹۵). بوشالار نیز همداستان با ولسکی، به اهمیت نظامی ماد در دوره اشکانیان اشاره کرده است. به گفته وی «در بافتار تاریخی چیرگی اشکانیان بر میانرودان در برابر آخرین شاهان سلوکی و دهه‌های دشوار نخستین فرمانروایی، اکباتان نقش بسیار مهمی بازی کرد و نخستین مکان نظامی بود» (بوشالار، ۱۳۹۲: ۲۳۹).

مادها تا پیش از خیزش اشکانیان و در دوره جانشینان اسکندر، گاهی به‌طور مستقل و گاه تحت حاکمیت فرماندهان سلوکی، برای دست‌یابی به استقلال می‌کوشیدند؛ اما در این برهه با پیوستن به جنبش پارتیان، سرزمین آن‌ها به کانون مقاومت در برابر تهاجمات

بیگانگان تبدیل شده بود. با این حال شواهد و گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که ساتراپی ماد در دوره آشفتگی دستگاه پادشاهی اشکانیان با بروز تمایلات استقلال‌طلبانه برای پارتیان بحران آفرید. پرسش اینجاست که پیوستن ساتراپی ماد به قلمرو اشکانیان چه تأثیری بر تحولات سیاسی آن از آغاز فرمانروایی اشکانیان (۲۴۷ پ. م.) تا پایان پادشاهی فرهاد چهارم (۲۳-۴۰ پ. م.) داشته است؟ برای پاسخ به این پرسش، ضروری است به نقش ایالت ماد در تحولات سیاسی اشکانیان توجه داشت. لازم به یادآوری است با توجه به اینکه داده‌ها و شواهد تاریخی تحولات سیاسی ساتراپی ماد بزرگ را تا دوره پادشاهی فرهاد چهارم پوشش می‌دهند، بر این اساس در این پژوهش سعی شده است اوضاع سیاسی ماد بزرگ را تا این بازه زمانی مورد بررسی قرار گیرد.

با وجود پژوهش‌های فراوانی که درباره تاریخ ایران در دوره اشکانیان انجام شده، به این مسأله چندان پرداخته نشده است. برخی از پژوهشگران تاریخ اشکانی همچون یوزف ولسکی (۱۳۸۳)، کلاوس شپیمان (۱۳۸۴)، تنها هنگام گزارش تاریخ سیاسی پارتیان، با اشاره‌های مختصری که درباره سرزمین ماد به دست داده‌اند، از این موضوع شتاب‌زده گذشته‌اند. از سویی دیگر، پژوهندگان ایرانی همچون رحیم رئیس‌نیا<sup>۱</sup> و پرویز اذکایی در کتاب *همدان‌نامه*<sup>۲</sup> به طور مختصر به فتح ساتراپی ماد توسط اشکانیان پرداخته‌اند. گذشته از این‌ها، در پژوهش‌هایی که از سوی اقرار علی‌یف<sup>۳</sup> و در خصوص ایالت ماد انجام شده اطلاعاتی درباره اوضاع ماد بزرگ در دوره اشکانیان به چشم می‌خورد. حمیدرضا پیغمبری نیز در مقاله‌ای با عنوان «اهمیت سرزمین ماد بزرگ در تحولات ایران در دوره یونانی مآبی»<sup>۴</sup>، نقش ساتراپی ماد را در تحولات سیاسی ایران در فاصله سقوط هخامنشیان تا استقرار حکومت اشکانیان بررسی کرده است که در خلال گزارش‌های وی، آگاهی‌هایی درباره ستیزهای اشکانیان با سلوکیان برای دستیابی به سرزمین ماد، دیده می‌شود. کمبود منابع مکتوب در این خصوص، ما را به سوی مطالعه داده‌های باستان‌شناسی که در جریان کاوش‌هایی که در محوطه هگمتانه به دست آمده، هدایت می‌کند؛ چرا که این یافته‌ها به درک بهتر تأثیر سرزمین ماد در رویدادهایی که در عصر پارتیان رخ داده است، کمک می‌کند. بررسی یافته‌های باستان‌شناسی، اطلاعاتی درباره اهمیت اکباتان و ماد به عنوان نخستین مکان نظامی و مقر سلطنتی پادشاهان پارتی ارائه می‌دهد. از سویی دیگر، شواهد سکه‌شناختی به مثابه منبعی دست اول، می‌تواند در بازسازی تحولات سیاسی این دوره راهگشا باشد. با توجه به خاموشی نسبی تحقیقات یاد شده، در خصوص سرزمین ماد

بزرگ در دوره پارتیان، پژوهش حاضر با تکیه بر گزارش‌های تاریخی و شواهد باستان‌شناسی و سکه‌شناختی، به موضوع تأثیر پیوستن ساتراپی ماد به قلمرو اشکانیان با توجه به نقش آن‌ها در تحولات سیاسی عصر اشکانی می‌پردازد.

## ۲. گستره جغرافیایی ماد

سرزمینی که در دوره باستان از آن با نام ماد یاد شده، دارای گستره وسیعی بود که از رود ارس در شمال تا مرزهای پارس و خوزستان در جنوب و از سوی شرق تا دشت کویر و از غرب تا کوه‌های زاگرس می‌رسیده است (دیاکونف، ۱۳۷۱: ۷۲-۹۲). گهگاه به گستره این پهنه جغرافیایی افزوده می‌شد و بخش‌هایی از سرزمین پارس، اورارتو، سیستان، کرمان، بلوچستان، مکران، هرات، خوارزم و سغد را در برمی‌گرفت (جلیلیان، ۱۳۹۶: ۱۳۶؛ همچنین نک، فرای، ۱۳۸۲: ۳۰-۱۳۲). با این همه محدوده ساتراپی ماد در دوره‌های مختلف دچار تغییراتی شده بود. در عصر هخامنشیان (۵۵۹ پ.م - ۳۲۳ پ.م) ساتراپی ماد یکی از مهم‌ترین استان‌های شاهنشاهی هخامنشی به شمار می‌آمد که از سوی شمال به کوه رود (کهرود) و از سوی شرق تا دروازه خزر و از غرب به علیای دجله و از جنوب تا پارسه و رشته‌کوه‌های زاگرس می‌رسیده است (دیاکونف، ۱۳۸۷: ۸۲؛ ملازاده، ۱۳: ۷۱).

پلینی در تاریخ طبیعی خود، قلمرو شاهنشاهی اشکانی را به دو بخش علیا و سفلا تقسیم می‌کند. به عقیده او، بخش سفلا شامل هفت ساتراپی: (۱) بین‌النهرین و بابل (۲) آپولونیاتیس (در سوریه) (۳) خالونیتیس (۴) کارنبا (۵) کامباده (پیرامون کرمانشاه) (۶) ماد علیا (۷) ماد سفلا می‌شد و بخش علیا، یازده شاهک‌نشین از جمله خورنه، قومس، گرگان و... را در برمی‌گرفت (Pliny, 1855/ VI: 285-284). دیاکونف نیز همداستان با پلینی، سرزمین ماد را دارای دو بخش، ماد بزرگ (هگمتانه، سرزمین رگه، اصفهان، کاشان، سرزمین باستانی، کاسپیان) و ماد کوچک یا ماد آتروپاتن (سرزمین آذربایجان و کردستان ایران) می‌داند (دیاکونف، ۱۳۸۷: ۹۰-۹۲؛ همچنین نک؛ جلیلیان، ۱۳۹۶: ۱۳۶) ماد آتروپاتن پس از مرگ اسکندر و از حدود سال ۳۲۱ پ.م توسط آتروپات، ساتراپ ماد، از بخش اصلی ساتراپی ماد جدا شد ولی سرزمین ماد بزرگ به مرکزیت هگمتانه که در دوره‌ی هخامنشیان پایتخت سلطنتی پادشاهان پارس بود در طی عصر سلوکیان به عنوان کرسی یک فرماندهی و در زمان اشکانیان نیز به عنوان اقامتگاه سلطنتی مورد توجه بود. ماد این جایگاه برجسته را به

سبب موقعیت جغرافیایی اش که تقاطع امپراتوری‌ها و پادشاهی‌های مختلف در هزاره‌ی اول پ.م قرار گرفته بود، به دست آورد. (Schipmann, 1986: 222). در گزارشی که خاراکسی از پهنه جغرافیایی ماد بزرگ در دوره پارتیان ارائه می‌دهد، گستره این ساتراپی از ناحیه کامباده (کرمانشاه) و شهر بگستانا آغاز می‌شود و تا آدراپانا اقامتگاه پادشاهانی که در اکباتانا فرمانروایی می‌کردند، امتداد می‌یابد. سپس وی از شهر ری و خاراکس نیز در محدوده ساتراپی ماد یاد می‌کند که مرزهای خاراکس تا آن سوی دروازه‌های کاسپین می‌رسیده است (خاراکسی، ۱۳۹۲: ۲۵-۲۷).

### ۳. ساتراپی ماد در آستانه خیزش اشکانیان

اشکانیان از قوم «پرنی» و از اتحادیه قبایل «داهه» بودند<sup>۵</sup> که همزمان با فرمانروایی آنتیوخوس یکم (۲۸۱-۲۶۱ پ.م.) و آنتیوخوس دوم (۲۶۱-۲۴۶ پ.م.)، از دشت‌های میان رود جیحون و سیحون به سوی شمال استان پارت آمدند (Deblois and vegelsang, 1993: 581; Lecoq, 1986: 151). دیرزمانی نگذشت که همجواری پرنی‌ها با مرزهای پادشاهی سلوکیان، فرمانروایی آن‌ها را در ایران به چالش کشانید.

آرشک رهبر قبیله پرنی از اوضاع شکننده زمان پادشاهی آنتیوخوس دوم و ناآرامی‌های عصر سلطنت سلوکوس دوم که جانشین فرمانروای پیشین سلوکی شده بود، بهره برد و هیرکانیا و پارت را تصرف کرد (Strootman, 2018: 135; Schippmann, 2012: 525; Fry, 1985: 26).

فرمانروایی نوپایی که آرشک در دو ایالت بزرگ پارت و هیرکانی بنیان نهاده بود، بعدها در دوره جانشینانش پهناورتر شد. پس از مرگ آرشک در سال ۲۱۷ پ.م. پسرش آرشک دوم<sup>۶</sup> (۱۹۱-۲۷۱ پ.م.) به پادشاهی رسید. او در ابتدای فرمانروایی خود از گرفتاری‌های آنتیوخوس سوم (۱۸۷-۲۲۳ پ.م.) بهره برد و توانست بخش‌هایی از کومیسنه و خوارنه را به تصرف خود در آورد و قلمروش را تا سرزمین ماد گسترش دهد (Lerner, 1999:45). هم‌زمان با تلاش‌های اشکانیان برای دستیابی به قدرت و زوال تدریجی سلوکیان، در نواحی غربی فلات ایران، از جمله در سرزمین مادبه فرماندهی مولون، شورش رخ داد. ستیزها و کشاکش‌های میان آنتیوخوس و بطلمیوس چهارم، مجالی را برای مولون فراهم

کرد تا پس از محاصره سلوکیه و فتح بابل، خود را پادشاه بخواند (دوبواز، ۱۳۴۲: ۱۰؛ پیغمبری، ۱۳۹۷: ۵۱).

آنتیوخوس با آگاه شدن از اوضاع از هم‌گسیخته سلوکیان در شرق، برای فرو نشانیدن شورش‌های استقلال‌طلبانه و بازیابی سیطره سلوکیان، سفر جنگی خود را به شرق آغاز کرد. او پس از درهم شکستن مولون در ماد، فردی از اهالی شوش به نام دیوجنیس (Diogenes) را به ساتراپی ماد برگزید (دوبواز، ۱۳۴۲: ۱۱)؛ سپس به سوی سرزمین‌های که پارتیان تصرف کرده بودند، رهسپار شد.

آرشک دوم، هنگامی که با تهاجم آنتیوخوس مواجه شد، نه تنها ناگزیر شد از منطقه ماد که تصرف کرده بود، عقب‌نشینی کند؛ بلکه حتی پارت و هیرکانیا را نیزها کرد و به سوی منطقه آپاسیاک‌ها پناه برد. پادشاه سلوکی تا هکاتومپیلوس پیش تاخت و شهرهای هیرکانیا، تمبرکس (Tambrax) و سیرنیکس (Sirynx) را تصرف کرد (Greinger, 2015: 14-13; Polybius, 2010/X: 331؛ شپیمان، ۱۳۸۴: ۲۹).

به گزارش ژوستن، آنتیوخوس با آرشک پیمانی منعقد کرد (Justin, 1994/XLI: 256) که در مورد مضمون آن اطلاعی نداریم؛ اما احتمالاً آرشک حاکمیت نیمه‌رسمی آنتیوخوس را پذیرفته است؛ از سوی دیگر، پادشاه سلوکی هم عنوان شهرداری آرشک را به رسمیت شناخت.

تهاجم آنتیوخوس سوم، مانع سلطه پارتیان بر ساتراپی ماد شد و پس از حکومت کوتاه دیوجنیس در ماد، بار دیگر حاکمی از جانب سلوکیان به فرمانروایی این ناحیه منصوب شد. آنتیوخوس چهارم (۱۷۵-۱۶۴ پ.م.) که جانشین پادشاه پیشین سلوکی شده بود، یکی از مقربان دربارش به نام تیمارخوس ملطی را به حکمرانی ماد گماشت (Greinger, 2015: 58؛ گوتشمید، ۱۳۸۸: ۶۶). تیمارخوس در طی فرمانروایی خود تلاش کرد با کمک آرتاکسیاس، پادشاه ارمنستان، ایالت ماد را از نفوذ سلوکیان بیرون آورد. او پس از مرگ آنتیوخوس چهارم، بابل را گشود و به نام خود سکه ضرب کرد و اهالی ماد را وادار به هم‌پیمانی با خود بر ضد دمتریوس یکم (۱۶۱-۱۵۰ پ.م.)، پادشاه سلوکی کرد. شکست تیمارخوس در برابر دمتریوس، بار دیگر این سرزمین را به قلمرو سلوکیان بازگرداند (گوتشمید، ۱۳۸۸: ۶۶).



از سوی دیگر، فرهاد یکم (۱۷۱-۱۷۶ پ.م.) که جانشین برادرش فری‌پاپت (۱۷۶-۱۹۱ پ.م.) شده بود، نه تنها قلمرو اشکانیان را تا دروازه‌های خزر گسترش داد؛ بلکه توانست راه پیش‌روی پارتیان به سوی ماد را که هنوز از پایگاه‌های استوار سلوکیان بود، هموار کند. با وجود این، تصرف ماد به عهده پسر و جانشینش مهرداد یکم (۱۳۸-۱۷۱ پ.م.) گذاشته شد (بیوار، ۱۳۹۲: ۱۳۳). متزلزل شدن سلطه سلوکیان بر ساتراپی ماد، مجالی برای مهرداد فراهم کرد تا پس از لشکرکشی علیه پادشاهی یونانی-ساختری به سوی مناطق غربی و ماد پیش‌روی کند. او با گشودن سرزمین ماد، فردی به نام باکاسیس<sup>۷</sup> را به ساتراپی ماد برگزید (Justin, 1994/XLI, 257). این اقدام جهت‌گیری جدید سیاست اشکانیان را نشان می‌دهد. هنگامی که آن‌ها سرزمینی را می‌گشودند، یا به ایالتی تحت اداره فرمانروایان تبدیل می‌کردند یا حاکمان پیشین را به‌عنوان دست‌نشانندگان خود بر آن سرزمین ابقاء می‌کردند؛ اما تیمارخوس فردی یونانی و فرمانروایی شورشی بود و این عوامل مانع از آن بود که پارتیان او را به‌عنوان دست‌نشانده خود برگزینند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۹۵). احتمالاً مهرداد یکم برای تحکیم فرمانروایی‌اش بر ماد و برای مصون ماندن ایالت‌های غربی از گزند سلوکیان و بیگانگان، سیاست برقراری پیوند میان مادها و پارتیان را در پیش گرفت.

بنا به باور برخی از پژوهشگران، مهرداد یکم برای تحقق این هدف احتمالاً دخترش «رینو» را به ازدواج اشراف‌زاده مادی درآورد و با انتخاب اکباتان به‌عنوان مقر پادشاهی اشکانیان، شاهزادگان پارتی از جمله برادرش، فرهاد دوم (۱۲۸-۱۳۹ پ.م.)، را به فرمانروایی ماد گماشت (Daryaei, 2015: 286; Overtoom, 2018: 134). مهرداد سپس به سوی ماد آتروپاتن پیش رفت و این منطقه را به تصرفات خود افزود (Olbrycht, 2010: 235). هدف بعدی شاهنشاه اشکانی تصرف بابل و سلوکیه بود. او با سازماندهی سپاهیان در اکباتان و با یاری اهالی ماد، بابل و سلوکیه را تصرف و تا شهر اورک در جنوب میانرودان پیش تاخت (Overtoom, 2018: 138). اگرچه شهریار پارتی توانست ماد را فتح کند؛ اما به نظر می‌رسد همچنان بخش‌هایی از ماد تحت فرمانروایی سلوکیان بود؛ زیرا که کتیبه‌ای یونانی در بیستون از فردی به نام کلئومنس به‌عنوان فرمانروایی ساتراپ‌های علیا نام می‌برد (بیوار، ۱۳۹۳: ۱۳۵؛ پیغمبری، ۱۳۹۷: ۵۳؛ همچنین نک: کرتیس و استوارت، ۱۳۹۲: ۳۱). دمتریوس دوم (۱۳۸-۱۵۰ پ.م.) که درگیر جنگ با تریفون غاصب بود، از فتوحات مهرداد بیمناک شد و پس از غلبه بر تریفون، سپاهیان را فراهم کرد تا به ماد حمله کند.

ساکنان یونانی - مقدونی ساتراپی ماد در پیغام خود به پادشاه سلوکی یادآور شدند که اگر او به سوی آنها بیاید، پادشاه پارت را شکست خواهند داد (گوتشمید، ۱۳۸۸: ۷۶).  
دمتریوس به میانرودان آمد و سپس راهی ساتراپ‌نشین‌های علیا شد. شاهنشاه اشکانی که مرزهای فرومانروایی‌اش از سوی اقوام چادرنشین شمال شرقی تهدید شده بود، وظیفه رویارویی با دمتریوس را به فرماندهانش سپرد و خود به نبرد با مهاجمان شرقی رفت. دمتریوس با پشتیبانی حکومت‌های کوچک محلی، همچون اهالی پارس، الیمایی و یونانی - باختری - که ترجیح می‌دادند با سلوکیان رو به زوال هم‌پیمان شوند نه یک فرمانروایی نوپای ایرانی - به جنگ پارتیان رفت (Dabrowa, 1999: 15). او پس از پیروزی‌های ابتدایی، سرانجام در نبردی که در سال ۱۳۹ پ.م. در ماد روی داد، شکست خورد و در بند به دربار مهرداد آورده شد و مورد مهربانی شاهنشاه قرار گرفت و با او رفتاری درخور شأن شاهانه‌اش صورت گرفت (Dabrowa, 1999: 15; Justin, 1994/ 36: 230).

با مرگ مهرداد یکم، پسرش فرهاد دوم که باید حتی خیلی جوان بوده باشد، به پادشاهی رسید. چرا که در آغاز کار مادرش چندی نیابت سلطنت وی را بر عهده داشت. در زمان شهریاری وی که چندی نیز مادرش نیابت سلطنت را بر عهده داشت، آنتیوخوس هفتم (۱۳۷-۱۲۸ پ.م.) (سیدتس)، برادر دمتریوس که در این هنگام هنوز در اسارت پارتیان بود، برای جلوگیری از فروپاشی فرمانروایی از هم‌گسیخته سلوکیان در ایران، به ماد لشکرکشی کرد. او در طی چند جنگ، با شکست دادن ایداتیس (Idates) و انیوس (Enius)، سرداران اشکانی، توانست بابل و ماد را از آنها بازستاند و به همراه سپاهیان در ماد اقامت گزیند (Wolski, 1981: 109). فرهاد در ابتدا در صدد صلح برآمد؛ اما شرایط آنتیوخوس - مبنی بر استرداد تمامی سربازان و تصرف شده، پرداخت باج و آزادی دمتریوس - برای پارتیان دشوار بود و ناگزیر به انجام جنگ شدند (Wolski, 1988: 83؛ گوتشمید، ۱۳۸۸: ۱۰۲؛ شپیمان، ۱۳۸۴: ۳۵-۳۶).

شهریار اشکانی، دمتریوس را به همراه سپاهیان پارتی به سوریه بازگرداند تا آنتیوخوس را وادار به بازگشت به سوریه کند، تا در غیاب آنتیوخوس، رقیبی در سلطنت برای او ایجاد کرده باشد؛ اما ناخرسندی و شورش اهالی ماد علیه بی‌بندوباری سربازان آنتیوخوس و ستمگری‌های آتنه‌ئوس، سردار سلوکی، سبب شد مادها با پارتیان در بیرون راندن سلوکیان هم‌پیمان شوند. سرانجام در نبردی که در ماد رخ داد، آنتیوخوس شکست خورد و کشته

شد (Wolski, 1988: 85-84; Strooman, 2018: 137-136). هم‌پیمانی اشکانیان با ساتراپی ماد که چندین سال، صحنه تاخت‌وتاز سلوکیان شده بود، نیازمند آن بود که مادها در این دوره دارای پایگاه‌های نظامی و سپاهی کارآمد بوده باشند. کاوش‌های باستان‌شناختی در اکباتان نیز اهمیت سرزمین ماد را به عنوان یک استقرارگاه نظامی در دوره اشکانیان نشان می‌دهد. معماری تپه هگمتانه دلالت بر ساخت‌وسازی باشکوه برای میزبانی یک سپاه همواره مستقر در همدان دارد (بوشالار، ۱۳۹۲: ۲۳۹). این داده‌ها همچنین به استمرار نقش نظامی این ساتراپی در رویارویی پادشاهان اشکانی با امپراتوری روم تأکید می‌کند. پارتیان پس از دست‌یابی به ماد، آن را تخت‌گاه تابستانی خود قرار دادند و آنچه را که در اثر تهاجمات پادشاهان سلوکی به ماد ویران شده بود، بازسازی کردند و کاخ‌ها و باروهای جدیدی را بنا نهادند (ملکزاده بیانی، ۱۳۵۳: ۱۹).

### ۱.۳ نقش ساتراپی ماد در ستیزهای شاهزادگان اشکانی

اشکانیان با پیش‌روی به سوی غرب در زمان مهرداد دوم (۱۲۴ - ۸۷ پ.م) که جانشین پدرش اردوان یکم (۱۲۷-۱۲۳ پ.م) شده بود، توانستند بخش وسیعی از میانرودان شمالی را به قلمرو خود ضمیمه کنند (29: Dabrowa, 2010؛ مشکور، ۱۳۵۰: ۱۷۲؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۰۲-۱۰۳).

شاهنشاه اشکانی در سال ۱۱۳ پ.م. دورازوپوس را گشود و سه پادشاهی آدیابنه، گوردینه و آسروئنه را دست‌نشانده پارتیان کرد. او با انتصاب داریوش<sup>۱</sup>، شاهزاده پارتی به فرمانروایی ماد، با حمایت اهالی ماد و هیرکانیا به سوی ارمنستان رفت (Nadooshan, 2005:125; Overtoom, 2016:134-135) را شکست داد و پسرش تیگران دوم (۹۵-۵۵ پ.م.) را بر تخت سلطنت ارمنستان نشاناد.

در سال‌های پایانی پادشاهی مهرداد دوم، در ماد میان داریوش و خاندان‌های محلی، ستیزها و اختلاف‌هایی به وجود آمده بود و از سوی دیگر اوضاع شاهنشاهی اشکانی بر اثر کشاکش‌های میان اشراف و شاهزادگان چنان گسیخته و آشفته شده بود که سبب تشدید گرایش مناطق نیمه‌مستقل برای دست‌یابی به استقلال و خارج شدن از سلطه حکام پارتی شد (Mcdowell, 1935:189). در این میان ساتراپی ماد از این فرصت بهره برد و تمایلات جدایی‌خواهانه خود را بروز داد. با توجه به کمبود منابع مکتوب در خصوص سرزمین ماد

بزرگ در دوره اشکانیان، شواهد سکه‌شناسی می‌تواند تا حدودی در بازسازی تصویر گرایش‌های استقلال‌طلبانه ماد در عصر نآرام دربار پارتیان، مؤثر باشد.

مطالعه تطبیقی سکه‌های اشکانی نشان می‌دهد تا زمان مهرداد دوم، سکه‌های مشابه‌ای از این پادشاه در ضراب‌خانه اکباتان و ماد آتروپاتن ضرب می‌شد؛ اما با کاهش اقتدار پارتیان در ماد، ضرب سکه‌های او در حدود سال ۹۲/۹۱ پ.م. در اکباتان قطع شد و با قدرت‌گیری خاندان‌های محلی تنها سکه‌هایی از آن‌ها در ضراب‌خانه ماد ضرب می‌شد (Nadooshan, 2005:127). این در حالی است که در ماد آتروپاتن و گهگاه در سکه‌خانه شوش سکه‌هایی از مهرداد همچنان ضرب می‌شد (Mcdowell, 1935:192). از سوی دیگر در خلال گزارش‌ها و شواهدهای تاریخی، می‌توان ردپای سرزمین ماد را در ستیزهای میان شاهزادگان اشکانی برای رسیدن به سلطنت دید. آن‌ها با سپردن نیروهای نظامی خود به شاهزادگاناشکانی، معارض قدرت شاهنشاه می‌شدند و با یاری رساندن به این شاهزادگان، می‌کوشیدند این رقابت‌ها را گسترده‌تر کنند تا بتوانند استقلال خود را بازیابند. همچنان‌که فردی با نام گودرز (۸۰-۹۱/۹۰ پ.م.) از مشکلات مهرداد دوم استفاده کرد و وارد جنگ قدرت با شاهنشاهی اشکانی برای دستیابی به تاج و تخت شد. گودرز در بابل خود را «شاه شاهان» خواند (Boyce, 2003:32)، سپس به سرزمین ماد لشکرکشی کرد و در نبردی که در کوهستان‌های ماد رخ داد، ساکنان این ایالت با تهیه نیروی نظامی برای وی، از او در مقابل مهرداد دوم جانبداری کردند و توانستند شهریار پارتی را شکست دهند (Rawlinson, 1873:259-261؛ همچنین نک: اذکایی، ۶۷: ۱۳۸۰-۶۹). به نظر می‌رسد مادها در دوره از هم‌گسیختگی دربار اشکانیان، به دست‌آویز مهمی برای رسیدن به استقلال دست یافتند و آن هم حمایت از شاهزادگان مخالف سلطنت بود تا از این طریق، ستیزهای جانشینی را تداوم دهند و مجالی برای مداخله پارتیان در امور سرزمین ماد باقی نماند و فرمانروایی بر این ساتراپی را تحت سلطه خود در آورند.

بر مبنای مطالعات سکه‌شناسی نمی‌توان این احتمال را نادیده گرفت که گودرز، فراتر از بابل و ماد، نیز شاهنشاه رقیب مهرداد دوم بوده است؛ چرا که تعدادی درآخم باقی مانده از گودرز نشان می‌دهد حیطة نفوذ وی تا هیرکانیا و مرو هم رسیده است (شیپمان، ۱۳۸۴: ۴۰؛ ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۱۰). با مرگ مهرداد دوم و از هم‌گسیختگی اشکانیان به سبب ستیزهای داخلی از یک سو و از سوی دیگر کشاکش‌های میان پارتیان و ساتراپی ماد که روز به روز

اقتدارشان بر اشکانیان فزونی می‌گرفت، مجالی برای تیگران پادشاه ارمنستان به وجود آورد تا به سرزمین‌های غربی و ایالت ماد یورش برد.

تیگران از همان سال‌های نخست فرمانروایی‌اش، سیاست توسعه‌طلبانه‌ای در مقابل همسایگان خود در پیش گرفت؛ Dabrowa, 2010: 30; (Strabo, 1928/XI: 329). او نواحی شمال میانرودان را تصرف کرد؛ سپس با گشودن ماد، به تخت‌گاه اشکانیان در اکباتان رسید و کاخ پادشاهی آدراپانا (Adrapana) در ماد را به آتش کشید و با تصرف ماد آتروپاتن و با پیروزی بر پارتیان خود را «شاهنشاه» خواند (Dabrowa, 2010: 30)؛ گوتمید، ۱۳۸۸: ۱۰۸؛ مشکور، ۱۳۵۰: ۱۸۳). احتمالاً تیگران پس از فتح اکباتان، نتوانست فرمانروایی خود را بر این منطقه به سبب اقتدار خاندان‌های محلی ماد، مستحکم کند؛ اما با برقراری اتحاد و دوستی با ماد کوچک، توانست آن‌ها را با سیاست‌های خود همسو کند<sup>۹</sup> (علی‌یف، ۱۳۹۱: ۱۱۷). گودرز با وجود آنکه با یاری اهالی ماد توانست به پیروزی دست یابد؛ اما فرمانروایی وی چندان به درازا نکشید تا اینکه بعدها پادشاه جدید به نام اُرد (اُردس) در اسناد بابل ظاهر می‌شود (شییمان، ۱۳۸۴: ۴۱). برای اُرد نیز سلطنت کوتاهی مقدر شده بود و پس از او به ترتیب سیناتروک (۷۱-۷۸/۷۷ پ.م.) و فرهاد سوم (۷۱-۷۰ پ.م.) جایگزین وی شدند.

فرهاد در طی فرمانروایی‌اش در صدد بهبود اوضاع ناآرام قلمرو خود برآمد. او به دنبال تجهیز سپاهیان‌ش بود تا به سوی ماد و نواحی غربی لشکرکشی کند تا بار دیگر نفوذ اشکانیان را در این ناحیه برقرار کند و ماد را تحت سلطه پادشاهان پارتی درآورد؛ ولی با اوضاع سیاسی خارجی جدیدی مواجه شد (Keal, 1994: 276). روم در صدد حمله به ارمنستان بود. از یک سو تیگران به همراه متحدش مهرداد پونتوسی برای جلب نظر پادشاه پارت تلاش می‌کردند و از سوی دیگر رومی‌ها، فرهاد را به هم پیمانی با خود بر ضد ارمنستان دعوت می‌کردند؛ اما فرهاد این پیشنهادها را نپذیرفت. با این همه، لوکولوس سردار رومی، در سال ۶۹ پ.م. موفق به محاصره تیگراناکرت، پایتخت ارمنستان شد. پس از پیروزی‌های ابتدایی روم، سرانجام در نبردی که در سال ۶۷-۶۸ پ.م. روی داد، تیگران به پیروزی رسید. Diocassius, 1957/ XXVI: 30-31; Dabrowa, 2010: 425). به دنبال این شکست، پومپوس جایگزین سردار پیشین روم شد و سفیری را به دربار پارتیان فرستاد تا پادشاه پارت را به اتحاد خود

فراخواند. در همین هنگام ساکنان ماد که موقعیت‌شان از سوی فرهاد مورد خطر قرار گرفته بود، برای در امان ماندن از گزند اشکانیان، سفیرانی به نزد پومپه فرستادند و خواستار اتحاد با روم علیه شاهنشاه شدند (Hansman, 1998: 205; Diocassius; 1957/ XXVI: 425).

کشته شدن فرهاد به دست پسرانش، اُرد دوم (۵۸/۵۷ - ۳۹ پ.م.) و مهرداد سوم، فرصت مداخلهٔ پارتیان در ماد را از بین برد (Diocassius, 1957/XL: 429). اُرد دوم و مهرداد سوم بلافاصله بر سر تاج و تخت پدر، با یکدیگر به نزاع و جنگ پرداختند. دیوکاسیوس مورخ یونانی گزارش می‌دهد از این دو پسر، اُرد بر تخت پادشاهی دست یافت و برادرش مهرداد به سوی سرزمین ماد که پیشتر نقش مؤثری را در ستیزهای میان شاهزادگان ایفا کرده بود، پیش رفت (Diocassius, 1957/XL: 435). تفرقه و دودستگی میان شهریاران اشکانی برای رسیدن به پادشاهی، بار دیگر مجالی برای ساتراپی ماد فراهم کرد تا با سیاست هم‌پیمانی با شاهزادگان مخالف سلطنت، این رقابت‌ها را گسترده‌تر کنند و استقلال خود حفظ کنند. مهرداد برای مقابله با اُرد، از گایوس حاکم سوریه درخواست کمک کرد و به او وعدهٔ مبلغ زیادی پاداش داد. با رد درخواست او از سوی رومیان، مهرداد با کمک تجهیزات و سپاهیان ماد و با حمایت برخی از اشراف و بلندپایگان اشکانی که خواهان پادشاهی وی بودند به جنگ علیه برادرش رفت (Edwell, 2013: 307; Hauser, 2006: 196). همراهی مادها با شاهزادهٔ پارتی در این زمان به سبب روند موفقیت‌آمیز دست‌یابی آن‌ها به خودمختاری بود که در طی کشاکش‌های دربار اشکانی به دست آمده بود. مهرداد سوم توانست بابل و سلوکیه را فتح کند و آن شهرها را از گماشتگان اُرد، بازستاند. دیری نگذشت که سپاهیان شاهنشاه اُرد به فرماندهی سورنا، مهرداد سوم را شکست دادند و بار دیگر اُرد مقتدرانه بر تخت سلطنت تکیه زد (ShapurShahbazi, 1990: 9).

شاید بتوان گفت احتمالاً ماد در دورانی که پادشاهان اشکانی از اقتدار کمتری برخوردار بودند با دامن زدن به اختلافات شاهزادگان و با مداخله در امر جانشینی، تا حدودی استقلال خود را حفظ کردند و خود را از سیادت پارتیان مصون نگه‌داشتند. شواهد سکه‌شناسی نیز از تداوم کاهش نفوذ اشکانیان بر ماد پس از پیروزی اُرد یادمی‌کند، سکه‌های کشف شده از آغاز پادشاهی اُرد دوم در ماد آتروپاتن و شوش، نشان می‌دهد ضراب‌خانهٔ اکباتان همچنان

در دست خاندان‌های محلی بود (Caley, 1955: 45). با وجود اینکه شواهدی مبنی بر تداوم گرایش‌های استقلال طلبانه ماد در این برهه می‌بینیم؛ اما همیشه مادها در تعارض با پادشاهان اشکانی نبودند؛ چنان‌که پیشتر به هم‌پیمانی آن‌ها با پارتیان در برابر سلوکیان اشاره شد؛ همچنین دست‌کم آگاهیم‌نگامی که اُرد در ابتدای سلطنتش با لشکرکشی کراسوس، سردار رومی مواجه شد، ظاهراً گروه‌هایی از سپاه مادها با اشکانیان علیه رومی‌ها همگام شدند؛ چنان‌که در ادامه این مبحث به آن خواهیم پرداخت، آن‌ها با پیوستن به جناح پارتیان، فرمانروایی اشکانی را در نبرد با رومیان همراهی کردند.

### ۲.۳ اهمیت ساتراپی ماد در کشاکش‌های اشکانیان با امپراتوری روم

اشکانیان پس از شکست ارمنستان از رومی‌ها، تنها قدرتی شدند که دارای سیاست مستقل بودند و توانایی رویارویی با رومی‌ها را داشتند. اُرد دوم که پس از پیروزی بر هم‌اوردش مهرداد سوم، به پادشاهی دست یافته بود، با لشکرکشی کراسوس مواجه شد. کراسوس بدون اعلام جنگ قبلی به سوی فرات آمد. او با سپاهیان از فرات گذر کرد و به سوی رود بالیخ به راه افتاد و به شهر حران رسید (ShapurShahbazi, 1990: 9؛ پلوتارک، ۱۳۴۷/۴: ۶۹).

گزارش‌های تاریخی درباره تاریخ تحولات سیاسی ایران در دوره اشکانیان، نشان می‌دهد اشراف، شاهک‌نشین‌های مستقل و نیمه‌مستقل که تابعیت پارتیان را پذیرفته بودند، در مواقعی که فرمانروایی اشکانی با حملات بیگانگان روبرو می‌شد، به همراه نیروهای نظامی و دست‌نشانندگان خود به یاری پادشاهان پارتی می‌آمدند (Herdian, 1698 309-310). در این میان، هنگام رویارویی اشکانیان با کراسوس، علاوه بر آریوبرزن، فرمانروای ماد آتروپاتن (علی یف، ۱۳۹۱: ۱۲۲)، ساکنان ماد سُفلا با وجود آنکه از مدت‌ها پیش با پارتیان نبرد داشتند؛ به همراه تعداد زیادی از اسب‌هایی که در سرزمین خود پرورش داده بودند به اردوگاه اشکانیان پیوستند (Nikonorov, 2002: 12). سرانجام در نبردی که میان نیروهای پارتی به فرماندهی سورنا، اشراف‌زاده اشکانی و سپاهیان کراسوس در نزدیکی شهر «ایخنه» درگرفت، کراسوس شکست خورد و کشته شد (ShapurShahbazi, 1990: 9; Hauser, 2006: 309). اگرچه به گفته ولسکی، سرزمین ماد برای اشکانیان نقش جبهه مقدم و سپر دفاعی را در جنگ‌های آنان با سلوکیان و رومیان داشت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۹۵) اما از سوی دیگر مک

داول به بی‌اهمیت بودن ساتراپی ماد بزرگ در تاریخ سیاسی اشکانیان در مقایسه با ماد آتروپاتن اشاره می‌کند (Mcdowell, 1935: 219). شواهد تاریخی و داده‌های باستان‌شناسی این نظر مک داول را با تردید مواجه می‌کند. مادها همان‌گونه که در ستیزهای اشکانیان با سلوکیان، هم‌پیمان پارتیان شدند و توانستند نقش مهمی در پیروزی اشکانیان ایفا کنند، بار دیگر با پیوستن به جبهه اشکانیان، آن‌ها را در نبرد مقابل رومیان همراهی کردند. کاوش‌های باستان‌شناسی نیز بر اهمیت ایالت ماد از جمله هگمتانه به عنوان بخش از سرزمین ماد بزرگ که از لحاظ موقعیت نظامی و همچنین پایگاه اقتصادی-سیاسی برای فرمانروایی اشکانیان دارای اهمیت بود یاد می‌کنند و همچنین از آن پایگاه برای مقابله با تهاجمات رومیان بهره می‌بردند (بوشالار، ۱۳۹۲: ۲۳۹-۲۴۰). در واقع اشکانیان به اهمیت نظامی منطقه ماد به سبب یورش‌های سلوکیان و رومیان آگاه بودند و تلاش می‌کردند با ساخت استحکامات دفاعی و قلعه‌های نظامی، ساتراپی‌هایی را که در مرزهای غربی قرار گرفته بودند، مستحکم کنند.

هم‌چنان‌که گفته آمیانوس مارسلینوس، گواه این مدعا است که «ایران را پُر از شهرها و اردوگاه‌های مستحکم و قلعه‌های نظامی کردند (Marcellinus, 1914: 346). اُرد پس از مدتی پادشاهی، به سبب مرگ پسرش پاکور، از سلطنت کناره‌گیری کرد و فرهاد چهارم (۲۳-۴۰ پ.م.) بزرگترین پسرش را به پادشاهی برگزید. فرهاد برای تثبیت موقعیت خود و برای رهایی از سلطه اشراف‌زادگان، عده‌ای از آنان را به قتل رساند و برخی دیگر از ترس رفتار پادشاه به روم گریختند. در این میان، مونه‌زس که به رومیان پناهنده شده بود، آنتوان را به جنگ علیه اشکانیان برانگیخت (Dabrowa, 2013: 57; Diocassius, 1957/ XLII: 389). آنتوان که در خیال حمله به ایران بود، از این پیشنهاد استقبال کرد. با آغاز لشکرکشی آنتوان به سوی ایران، مونه‌زس به یکباره تغییر موضع داد و دوباره به سوی شاهنشاه اشکانی آمد. در این میان آرتاوازد فرمانروای ارمنستان، پیشنهاد تأمین نیروی کمکی را به او داد. آنتوان از ارمنستان به عنوان پایگاه عملیات جنگی استفاده کرد و به توصیه آرتاوازد، تصمیم گرفت به ماد آتروپاتن و سپس به اکباتان حمله کند تا هم از حمله سواره نظام اشکانی در زمین هموار در امان بماند و هم ماد و نواحی غربی را تصرف کند؛ اما فرهاد با نیروهایش به سوی میانرودان پیش رفته بود تا جنگ را در شرق فرات دنبال کند (Diocassius, 1957/ XLII: 392؛ دوبواز، ۱۳۴۲: ۱۰۹). آرتاوازد فرمانروای ماد کوچک (علی یف، ۱۳۹۱: ۲۴) و پادشاه ماد سفلی در کنار فرات به حضور شاهنشاه اشکانی رسیدند (Diocassius, 1957/



(XLIII: 215). آنتونیدرصدد بود از طریق ارمنستان به ماد آتروپاتن و سپس به اکباتان حمله کند. شهریار پارت با آگاه شدن از محاصره ماد کوچک، با سپاهی متشکل از سواره نظام پارت به مقابله با رومیان پیش تاخت (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۲؛ شپیمان، ۱۳۸۴: ۵۳). فرهاد پیش از پیش‌روی به سوی فراسپه، تخت‌گاه ماد آتروپاتن، ابتدا به اکباتان آمد و از سرزمین ماد بزرگ برای سازماندهی نیروهایش و به عنوان پایگاهی برای مقابله با رومیان استفاده کرد (Wolski, 1980: 412). آنتونی که ارتش خود را به دو دسته تقسیم کرده بود، خود با سپاه بزرگ‌تر پیش رفت و همه خدمات تدارکاتی و دستگاه‌های جنگی را با دو فرمانده مأمور کرد که از پشت سر او آهسته حرکت کنند (ولسکی، ۱۳۸۳: ۱۶۱). اشکانیان می‌دانستند محاصره ماد کوچک بدون وجود قلعه‌کوب‌ها طول خواهد کشید، به دستور فرهاد نیروهای نظامی از اکباتان و بخشی از سواره نظام پارت مأموریت محاصره دستگاه‌های جنگی و قلعه‌کوب‌های رومیان را بر عهده گرفتند.

سپاهیان پارتی و مادی، به دسته دوم نیروهای نظامی روم که از پشت آنتونی را همراهی می‌کردند، یورش بردند و تمامی تدارکات و قلعه‌کوب‌های رومیان را نابود کردند (Wolski, 1980: 413). به دنبال این شکست، رومی‌ها از ماد آتروپاتن عقب‌نشینی کردند و اشکانیان توانستند آن‌ها را از مرکز فرمانروایی خود دورنگه دارند. پس از پیروزی اشکانیان در این نبرد، بر سر تقسیم غنایم، ستیزهایی میان فرهاد چهارم و پادشاه ماد آتروپاتن به وجود آمد (Diocassius, 1957/ XLII: 398؛ دوبواز، ۱۳۴۲: ۱۱۲). فرمانروای آتروپاتن برای درامان ماندن از حمله اشکانیان، در سال ۳۵ پ.م. پوله مون، پادشاه پونت را که در اسارت او بود، با پیشنهاد دوستی و تدارک جنگ دیگر علیه اشکانیان به نزد آنتونی فرستاد (Diocassius, 1957/ LII: 293; Dabrowa, 2010: 33-32). این ستیزها سبب خشنودی مارکوس آنتونی شد. او اکنون در تدارک بود تا برای بار دوم به ارمنستان لشکرکشی کند تا در کنار رود آرس با پیوستن به آتروپاتنی‌ها، عملیات جنگی خود را آغاز کند (Dabrowa, 2010: 32؛ دوبواز، ۱۳۴۲: ۵۲). سرانجام در سال ۳۴ پ.م. آنتوان پس از تسخیر پایتخت ارمنستان، ناگزیر شد جنگ با اشکانیان را به سبب گرفتاری‌هایی که در روم رخ داده بود، به تعویق اندازد و خود را برای جنگ با اکتاویوس مهبیا کند (Diocassius, 1957/ II: 395). مادهای آتروپاتن در ابتدا به سبب در اختیار داشتن نیروی کمکی رومیان، توانستند مقابل اشکانیان مقاومت کنند؛ اما دیری نگذشت که آنتوان برای مقابله با اکتاویوس، نیروهای خود را به روم فراخواند و سپاهیان پارتی بر آتروپاتنی‌ها پیروز شدند و پادشاه آن‌ها را به اسارت

بردند. احتمالاً در میان نیروهای نظامی اشکانیان، برخی از سپاهیان ماد بزرگ هم حضور داشتند؛ چرا که برخی منابع از یاری ساکنان اکباتان به سواره‌نظام پارتی که در فرااسپه بودند، اشاره کرده‌اند (Koşelenko, 1980: 183).

شاهنشاه پارت پس از رهایی از جنگ با رومی‌ها و تثبیت فرمانروایی خود بر ماد آتروپاتن، به سوی اکباتان که در هنگام آشفتگی دستگاه پادشاهی از سلطه اشکانیان خارج شده بود، پیش رفت و موفق به تصرف ایالت ماد شد. ظاهراً استقلال‌طلبی و خودمختاری شاهک‌نشین‌ها بنابر شرایط سیاسی و آمد و شد پادشاهان اشکانی در نوسان بوده است (نادری، ۱۳۹۷: ۱۱۱). ساتراپی ماد بعد از مرگ مهرداد دوم و در بحران‌های جانشینی که پادشاهان ضعیفی بر سر کار می‌آمدند، نافرمانی کرده و توانستند تا حدودی خود را از سلطه پارتیان مستقل کنند؛ اما هنگامی که پادشاه نیرومندی همچون فرهاد چهارم، بر تخت سلطنت تکیه می‌زد، حکومت نفوذ بیشتری بر ساتراپی‌ها اعمال می‌کرد؛ به طوری که پیش‌تر نیز ماد در دوره پادشاه مقتدری چون مهرداد یکم به تصرف پارتیان درآمد. ضرب سکه‌هایی از فرهاد چهارم در سکه‌خانه اکباتان، از نفوذ دوباره پارتیان بر این سرزمین آگاهی می‌دهد (Keal, 1994: 265). با این همه، تصرف ماد توسط فرهاد چهارم نشان می‌دهد، اشکانیان به این باور رسیده بودند که نباید نسبت به تمایلات استقلال‌طلبانه ماد بی‌تفاوت و سهل‌انگار باشند. فرهاد به اهمیت ایالت ماد، آگاه بود و در صدد بود جلوی نفوذ بیگانگان را که از این منطقه حملاتی علیه اشکانیان ترتیب داده بودند، بگیرد. از آن پس احتمالاً ماد به ایالت دست‌نشانده پارتیان تبدیل شد که حاکمی از خاندان‌های محلی را برای فرمانروایی بر آن منصوب می‌کردند. از آن به بعد دیگر در منابع اشاره‌ای به سرزمین ماد بزرگ نشده است.

#### ۴. نتیجه‌گیری

ساتراپی ماد از اواخر دوران سلوکی با پیوستن به جنبش پارتیان، سال‌ها صحنه نبردهای اشکانیان و سلوکیان شد؛ سپس با تصرف این ناحیه توسط مهرداد یکم (۱۳۸-۱۷۱ پ.م.)، با یاری اشکانیان توانستند زمینه زوال سلوکیان از ایران را فراهم کنند. نخستین شهروان پارتی آگاه از موقعیت مهم ماد، با به‌کارگیری سیاست‌هایی همچون برقراری روابط خویشاوندی با مادها و انتخاب مقرر سلطنتی در این ناحیه، در تلاش برای تحکیم فرمانروایی خود بر

سرزمین ماد بودند. اهمیت این منطقه برای پارتیان، به گونه‌ای بود که می‌توان از آن با عنوان دروازه دفاعی در مقابل یورش اقوام مختلف یاد کرد؛ همچنین باید به هم‌پیمانی ایالت ماد با پارتیان در جنگ‌های پادشاهان اشکانی با کراسوس سردار رومی و مارک آنتونی اشاره کرد که نقش مهمی در پیروزی اشکانیان ایفا کردند. یافته‌های باستان‌شناسی نیز از اهمیت استراتژیکی شاهک‌نشین ماد در این دوره گواهی می‌دهد. آن‌ها برای مصون ماندن مرزهای غربی از گزند بیگانگان و جلوگیری از رخنه دشمنان به درون قلمرو، با ساخت استقرارگاه‌ها و قلعه‌های نظامی در ماد، برای مقابله با تهاجمات سلوکیان و رومیان بهره می‌بردند. با وجود این، در عصر ناآرام فرمانروایی اشکانی که در سال‌های پایانی پادشاهی مهرداد دوم (۱۲۴-۸۷ پ.م.) به وجود آمده بود، حمایت‌ها و مداخله‌های سرزمین ماد در ستیزهای شاهزادگان پارتی برای دستیابی به سلطنت، راهکاری برای برخورداری از خودمختاری به نظر می‌رسید. مادها با پناه دادن و یاری رساندن به شاهزادگان مخالف سلطنت، معارض قدرت شاهنشاه شدند و با دامن زدن به این اختلافات، بر حفظ استقلال خود کوشیدند. اگرچه در این رویدادها، خودمختاری ماد به طور مقطعی دیده می‌شود. اما تحلیل گزارش‌های تاریخی و شواهد سکه‌شناسی نشان می‌دهد که فعالیت‌های استقلال طلبانه ماد را بایستی هماهنگ با شرایط سیاسی و اقتدار شهریاران اشکانی در نظر گرفت. در دوره ناتوانی و ضعف دستگاه پادشاهی اشکانیان، ساتراپی ماد از سلطه فرمانروایی پارتیان خارج شد؛ اما هنگامی که پادشاه نیرومندی همچون فرهاد چهارم (۲۳-۴۰ پ.م.) به سلطنت می‌رسد، با تصرف این ایالت، مجالی برای استقلال طلبی ماد باقی نمی‌ماند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. رئیس‌نیا، رحیم، آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام، تبریز: نیما، ۱۳۶۸.
۲. اذکابی، پرویز، همدان‌نامه، سه گفتار درباره مادستان، همدان: مادستان، ۱۳۸۰.
۳. علی‌یف، اقرار، تاریخ آتروپاتن (آذربایجان باستان)، ترجمه مهناز صدری، تهران: ققنوس، ۱۳۹۱.
۴. پیغمبری، حمیدرضا، «اهمیت سرزمین ماد بزرگ در تحولات ایران در دوره یونانی مآبی»، پژوهش‌های ایران‌شناسی، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۷، صص ۳۹-۵۸.
۵. برای آگاهی بیشتر درباره «پَرنی»، «داهه» و خاستگاه اشکانیان بنگرید:

۶. در برخی منابع همچون پولیبیوس (Polybius, 2010/X: 330)، عنوان اردوان یکم برای این آرشک به کار رفته است؛ اما ولسکی واقعیت تاریخ پادشاهی را که به نام «اردوان یکم» در این دوره بر تخت سلطنت نشسته باشد، انکار می‌کند و با تکیه بر گزارش ژوستن، می‌گوید پسر و جانشین اشک نیز با نام اشک معروف بوده است (بنگرید: بیوار، ۱۳۹۲: صص ۱۲۳-۲۰۰؛ ولسکی، ۱۳۸۳).

۷. برخی پژوهشگران همچون آلبریخت و فرهاد آثار از باکاسیس با عنوان برادر مهرداد یکم یاد کرده‌اند. برای آگاهی بیشتر بنگرید به:

Olbrycht. "Mithridates I of Parthia and his Conquests up to 141 BC. P. 239; Assar. "Genealogy and Coinage of the early Parthian rulers II: a Revised Stemma. P. 48

۸. گوتشمید (۱۳۸۸: ۱۲۳) از داریوش با عنوان فرمانروای ماد آتروپاتن یاد می‌کند؛ اما نوئل با بررسی سکه‌های داریوش که در ضراب‌خانه اکباتان ضرب شده‌اند، او را حکمران منطقه اکباتان، تخت گاه ماد بزرگ می‌داند بنگرید به:

Newell, The coinage of the Parthian: 480-483

۹. در این باره بنگرید به اقرار علی یف، ۱۳۹۱؛ مارتین شوتکی، «منابعی در مورد تاریخ ماد آتروپاتنه و هیرکانیا در عهد اشکانیان»، امپراتوری اشکانی و اسناد و منابع آن، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزاد روز، صص ۶۷۵-۷۳۵

## کتاب‌نامه

- اذکایی، پرویز (۱۳۸۰)، *همدان‌نامه، سه گفتار درباره مادستان، همدان: مادستان*.
- بوشالار، رمی (۱۳۹۲)، «تپه هگمتانه‌ها اکباتان باستان». ترجمه محسندانا، مجموعه مقالات یک روزه باستان‌شناسی هگمتانه، به مناسبت بزرگداشت استاد محمدرحیم صراف، گردآورنده: یعقوب محمدی‌فر، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری. صص ۲۲۹-۲۴۲.
- بیوار، ا.د.ه. (۱۳۹۲)، «تاریخ سیاسی ایران در دوره اشکانیان»، *تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانی*، پژوهش دانشگاه کمبریج، گردآورنده احسان یارشاطر، ترجمه حسن انوشه، ج ۳، قسمت اول، تهران: امیرکبیر، صص ۱۲۳-۲۰۰.
- پلوتارک (۱۳۴۷)، *حیات مردان نامی*، ترجمه رضا مشایخی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- پیغمبری، حمیدرضا (۱۳۹۷)، «اهمیت سرزمین ماد بزرگ در تحولات ایران در دوره یونانی مآبی»، *پژوهش‌های ایران‌شناسی*، سال ۸، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۳۹-۵۸.

ساتراپ‌نشین ماد در عصر اشکانی ... (شهرام جلیلیان و دیگران) ۱۰۱

- جلیلیان، شهرام (۱۳۹۶)، «ساختار سیاسی - اجتماعی و دستگاه اداری پادشاهی ماد»، *مجله جامعه - شناسی تاریخی*، دوره ۹، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص ۱۳۳-۱۵۸.
- خاراکسی، ایسیدور (۱۳۹۲)، *منزلگاه‌های اشکانی*، ترجمه علی اصغر میرزایی، تهران: ماهی.
- دوبواز، نیلسون (۱۳۴۲)، *تاریخ سیاسی پارت*، ترجمه علی اصغر حکمت: تهران: ابن سینا.
- دیاکونف، ام. م (۱۳۸۷)، *تاریخ ماد*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: علمی و فرهنگی.
- دیاکونف، میخائیل میخائیلوویچ (۱۳۷۸)، *اشکانیان*، ترجمه کریم کشاورز، تهران: پیام.
- رئیس‌نیا، رحیم (۱۳۶۸)، *آذربایجان در سیر تاریخ ایران از آغاز تا اسلام*، تبریز: نیما.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۸۶)، *تاریخ مردم ایران (۱)*، *ایران قبل از اسلام*، ج ۱، تهران: امیرکبیر.
- شپیمان، کلاوس (۱۳۸۴)، *مبانی تاریخ پارتیان*، ترجمه هوشنگ صادقی، تهران: فرزانه روز.
- علی‌یف، اقرار (۱۳۹۱)، *تاریخ آتروپاتن (آذربایجان باستان)*، ترجمه مهناز صدری، تهران: ققنوس.
- فرای، ریچارد نلسون (۱۳۸۶)، *میراث باستانی ایران*، ترجمه مسعود رجب‌نیا، تهران: علمی و فرهنگی.
- کرتیس، وستا سرخوش و سارا استوارت (۱۳۹۲)، *شاهنشاهی اشکانیان*، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب پارسه.
- گوتشمید، آلفردمن (۱۳۸۸)، *تاریخ ایران و ممالک همجوار آن از زمان اسکندر تا انقراض اشکانیان*، ترجمه کیکاوس جهاناداری، تهران: ققنوس.
- مشکور، محمدجواد (۱۳۵۰)، *تاریخ سیاسی و اجتماعی اشکانیان: پارتیان یا پهلویان قدیم*، تهران: دانشسرای عالی.
- ملازاده، کاظم (۱۳۹۳)، *باستان‌شناسی ماد*، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.
- ملک‌زاده (۱۳۵۳)، «ضرابخانه‌های پارتی»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، شماره ۵۳.
- ولسکی، یوزف (۱۳۸۳)، *شاهنشاهی اشکانی*، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، تهران: ققنوس.

Azkaei, Parviz (2008), Hamedan Nameh, Three Speeches About Madestan, Hamedan: Madestan Publishing.

Bushalar, Remy (2012). "Hegmatane hill and ancient Akbatan". Translated by Mohsen Dana, a Collection of one-day articles on hegemonic archaeology, on the occasion of the commemoration of Professor Mohammad Rahim Saraf, compiled by: Yaqub Mohammadi Far, Tehran, published by: Research Institute of Cultural Heritage, Handicrafts and Tourism, pp. 229-242.

- Bivar, A.D.H (1392).History of Iran from the Seleucids to the collapse of the Sassanid government, Cambridge University research. Compiled by Ehsan Yarshater, translated by Hasan Anoushe, vol. 3. The first part, Tehran, published by: Amir Kabir, pp. 200-123.
- Plutarch (1347), Hayat Mardan Nami, translated by Reza Meshaikehi, Tehran, Publisher: Book Translation and Publishing Company .
- Peighambari, Hamidreza (2017), "The importance of the great motherland in the developments of Iran in the Greek period of Mabi". Iranian studies, year 8, number 2, autumn and winter, pp. 58-39 .
- Jalilian, Shahram (2016). "Social-Political Structure and Administrative System of the Median Kingdom" Journal of Historical Sociology, Volume 9, Number 2, Fall and Winter, pp.158-133.
- Kharaksi, Isidro (2012), Parthian mansions, translated by Ali Asghar Mirzaei, Tehran:published by: Mahi .
- Debevoise, Nilson (1342), political history of Parth, translated by Ali Asghar Hekmat; Tehran: Ibn Sina Publishing House .
- Diakonoff M. M. (2008), History of Madh, translated by Karim Keshavarz,Tehran, published by: Scientific and Cultural .
- Raisinia, Rahim (1998), Azerbaijan in the history of Iran from the beginning to Islam, Tabriz: published by Nima.
- Zarinkoob, Abdul Hossein (2008), History of Iranian People (1), Iran before Islam, J. Tehran, published by: Amir Kabir.
- Shippmann, Klaus (2004), Parthian History Basics, translated by Hoshang Sadeghi, Tehran, published by Forozan Rooz.
- Aliyev, Ikhar (2011), History of Atropatan (ancient Azerbaijan), translated by Mahnaz Sadri, Tehran, published by Qaqnos .
- Fry, Richard Nelson (2006), Iran's Ancient Heritage, translated by Masoud Rajabnia,Tehran, Scientific and Cultural .
- Curtis,Vesta Sarkhosh and Sara Stewart (1392), Ashkanian Empire, translated by Mani Salehi Allameh, Tehran, Publisher: Parse Book Translation and Publishing Company .
- Gottschmid, Alfred Man (1388), History of Iran and its neighboring countries from the time of Alexander to the extinction of the Parthians, translated by Kikaus Jahandari,Tehran, published by Qoqnos .
- Mashkooor, Mohammad Javad (1350), political and social history of Parthians; Old Parthians or Pahlavis, Tehran, Publisher: Danesh Sarai Aali.
- Molazadeh, Kazem (2013), archeology of Madh, Tehran, Humanities Research and Development Center Organization (position)
- Malekzadeh (1353)."Zarab houses of Parthian".Journal of Historical Studies, No. 53 .
- Wolski,Yosef (1383) Parthian Empire, translated by Morteza Saqib Far, Tehran, Publisher: Qoqnos.

- Boyce, Mery. (2003). "Geopathros, Historical Frigures." Encyclopaedia Iranica. vol. xl. New York. PP.155-166.
- Caley, E.R. (1955). Chemical composition of parthian coins. Numismatic notes and monographs 129. New York: American Numismatic society.
- Cassius, Dio (1957) *Dio's Roman History*. With English Translation by Earnest Cary. on the Basis of Herbert Baldwin, London, William Heinemann, Cambridge Massachusetts. Harvard university press.
- Dabrowa, Edward. (1999). "L'expe'dition de De'metrius II Nicator contre Les parthes (139-138 avant J-C.). Parthica. 1. PP.9-16.
- Dabrowa, Edward. (2010). "the Arsacid and their state." In: R. Rollinger et al, *Altertum und Gegenwart 125 Jahre At te Geschichte in Innsbruck, vortraege der Ringvorlesung Innsbruck*. PP.21-52.
- Dabrowa, Edward. (2013). "the parthian Aristocracy: Its social position and political Activity." *Parthica*, 15. PP.53\_62.
- Daryaei, Touraj. (2015). "Western and central Eurasia". In *Cambridge World History*. Volume 4, Edited by C. Benjamin, 271-299. Cambridge
- Deblois, Francois and Willem Vogelsang. (1993). "Dahae". *Encyclopaedia Iranica*. Edited by Ehsan Yarshater, Routledge and Kegan Paul, London. Boston and Henely, Vol. III. PP. 523\_536.
- Fry, N.R. (1985). "Andragoras". *Encyclopaedia Iranica*. Vol. II. Edited by Ehsan Yarshater. Routledge Kegan Paul. London. Boston and Henely. P.26.
- Grainger, John D. (2015). *The Fall of the Seleucid Empire 187-75 BC*. Published in Great Britain in 2015 by Pen and Sword Military.
- Hansman, J.F. (1998). "Elymais". *Encyclopedia Iranica*. Vol. VIII. pp. 373-376.
- Hauser, Stefan R. (2006). Was There No Pain Stading Army? A Fresh Look on Military and political Institution in the Arsacid Empire." In: Markua Mode, Jurgen (Hg): *Arms and Armour as Indicators of cultural Transfer the steppes and the Ancient world from Hellenisti*. PP.295-319.
- Herodian. *History of the Roman Empire*, English Translation by C. R. Whittaker. Loeb classical library, Harvard university. London. 1698.
- Justinus, Marcus Junianus. (1994). *Epitome of the Philippic History of Pompeius Trogus*. Translated by J.C. Yardley, with Introduction and Explanatory Notes by R. Develine, the American Philological Resources, scholars Atlanta. Ga.
- Keal, E.J. (1994). "How many kings did the Parthian king of kings Rule?". *Iranica Antiqua* 29, pp. 253-272.
- Košelenko, G.A. (1980). "Les cavaliers parthes Aspects de la structure sociale de la Parthie" *Dialogues d'Histoire Ancienne* 6. 177-199
- Lecoq, P. (1980). "Aparna". *Encyclopaedia Iranica*. Edited by Ehsan Yarshater. Routledge and Kegan Paul. London. Boston and Henely, Vol. II. P.151.

- Lerner, J.D. (1999). "The Impact of Seleucid Decline on the Eastern Iranian Plateau." Franz Steiner Verlag Stuttgart.
- Mc Dowell, R. (1935). "The coins from Seleucia the Tigris". University of Michigan Studies. Humanistic Series, 37, Ann Arbor.
- Nodooshan, Farhang Khademi, Seated Sadrudin Mousavi, Frouzandeh Jafarzadeh Pour. (2005). "The Politics of Parthian Coinage in Media". Near Eastern Archaeology, vol. 68, No. 3, Archaeology in Iran. The American School of Oriental Research.
- Olbrycht, Mark Jan. (2010). "Mithradates I of Parthian and his conquests up to 141 BC". In Hortus Historiae, Edited by E. Dabrowa, 229-245. Krakow: Historia Lagellonica.
- Overtom, Nikolous Leo. (2018). "The Power-Transition Crisis of the 160s-130s BC and the Formation of the Parthian Empire." Journal of Ancient History 2019; 7(1). pp. 111-155.
- Pliny. (1855). Natural History. Translated with copious notes and illustration by John Bostock and H. T. Ely, Scientific Library. United States Patent Office.
- Polybius. (2010). The Histories. Translated by Robin Waterfield with an Introduction and Notes by Brian Mc Ging in the United States by Oxford University Press Inc, New York.
- Rawlinson, G. (1873). Sixth Great Monarchy. London.
- Schippmann, Klaus. (1986a). "Arsacid II. The Arsacid Dynasty." Encyclopaedia Iranica. Edited by Ehsan Yarshater. Routledge and Kegan Paul, London, Boston and Henley, Vol. I. pp. 525-536.
- Shahpur Shahbazi, Alireza. (1990). "Carrhae." Encyclopaedia Iranica. Edited by Ehsan Yarshater. Mazda Publisher, Costa Mesa, California. Vol. V. pp. 9-13.
- Strabo. (1928). The Geography of Strabo. With an English Translation by Horace Leonard Jones. London. William Heinemann, Cambridge. Massachusetts Harvard University Press.
- Strootman, Rolf. (2018). "The Coming of the Parthians: Crisis and Resilience in the Reign of Seleukos II". In: K. Erickson ed., The Seleukid Empire, 281-222 BC: War Within the Family (Swansea: Classical Press of Wales, 2018) 129-150.
- Wolski, Jozef. (1988). *Le titre de "roi de rois" dans l'idéologie monarchique des Arsacides*, Akade' miaikiado'.
- Wolsli, Jozef. (1981). "L'aristocratie foncière L'organisation de l'armée parthe." Kilo. 63. pp. 105-112.
- Woski, Jozef. (1980). "Le rôle et l'importance des guerres de deux fronts dans la décadence de l'Empire Romain." Kilio 62, pp. 411-423.